

Designing a Model for Predicting Family Performance, Coping Styles with Marital Conflict and Cognitive Flexibility Based on the Analysis of the Trend of Changes in Family Transformation Cycles in Divorced Couples

Mohammad Kheyrollahi¹
Mohammad Ghamari³

Asghar Jafari²
Vahide Babakhani⁴

The aim of this study was to design a model for predicting family performance, coping style with marital conflict and cognitive flexibility based on the analysis of the trend of changes in family evolutionary cycles in divorced couples. The research method is causal-comparative which is based on one-way analysis of variance and quadratic regression. The statistical population was couples applying for divorce who referred to the family court in the first 6 months of 1397 in East Azarbaijan province. By purposive sampling method, 200 couples (400 people) with inclusion criteria were selected as the research sample. The research tool is a questionnaire that, according to Macmaster model, family functioning, marital conflict coping styles of Rahim Questionnaire (ROCI-II) and cognitive flexibility of the questionnaire (Dennis and Vanderwall, 2010) have been developed. Data were analyzed using trend analysis, one-way analysis of variance and quadratic substantive regression with SPSS Software. The results of process analysis showed that changes in family functioning, coping style with marital conflict and cognitive flexibility at different stages of the transformation period of the family of couples seeking divorce are significant. The highest level of family performance is the style of coping with marital conflict and cognitive flexibility in the stages of marriage and without children. Family performance, marital conflict coping style, and cognitive flexibility decrease with the arrival of the first child, and are usually the least variable during adolescence and increase again during the empty nest stage ($P < 0.01$). The results show that family performance, coping style with marital conflict and cognitive flexibility of couples follow the stages of family family development. Therefore, it is suggested that couples pay attention to teaching the necessary social skills to the adolescent and rebuild their relationships with others after the child's adolescence.

Keywords: Cognitive Flexibility, Divorce, Family Functioning, Family Transformation Periods, Style of Coping with Marital Conflict

-
1. Ph.D Candidate, Department of consultation, Abhar Branch, Islam Azad University, Abhar, Iran
M.kheyrollahi@chmail.ir
 2. Associate Professor, Department of Psychology, College of Humanities, Kashan, Iran, Abhar Branch, Islam Azad
Drasgharjafari@yahoo.com
 3. Associate Professor, Department of consultation, Abhar Branch, Islam Azad
Counselor_ghamari@yahoo.com
 4. Assistant Professor, Department of consultation, Abhar Branch, Islam Azad
Vahideh_babakhani@yahoo.com

طراحی مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده، سبک‌های مقابله با تعارض زنانشویی و انعطاف‌پذیری شناختی، بر اساس تحلیل روند تغییرات دوره‌های تحولی خانواده در زوجین متقاضی طلاق

اصغر جعفری^۲

محمد خیرالهی^۱

وحیده باباخانی^۴

محمد قمری^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زنانشویی و انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات دوره‌های تحولی خانواده در زوجین متقاضی طلاق است. روش پژوهش، علمی-مقایسه‌ای بوده که بر اساس تحلیل واریانس یکراهه و رگرسیون منحنی درجه دوم است. جامعه‌آزمایی این پژوهش، زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده در شش ماه اول سال ۱۳۹۷ در استان آذربایجان شرقی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۰۰ تن از زوجین (۴۰۰ نفر)، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه است که عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک مستر، سبک‌های مقابله با تعارض زنانشویی پرسشنامه رحیم (ROCI-II) و انعطاف‌پذیری شناختی پرسشنامه (دنيس و وندروال، ۲۰۱۰) تدوین شده است. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل روند، تحلیل واریانس یکراهه و رگرسیون منحنی درجه دوم با نرم‌افزار Spss تحلیل شدند. نتایج تحلیل روند حاکی از آن بود که تغییرات عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زنانشویی و انعطاف‌پذیری شناختی در مراحل گوناگون دوره‌های تحولی خانواده زوجین متقاضی طلاق معنادار است. بیشترین میزان عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زنانشویی و انعطاف‌پذیری شناختی در مراحل عقد و بدون فرزند می‌باشد. عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زنانشویی و انعطاف‌پذیری شناختی زوجین با ورود اولین فرزند کاهش می‌یابد و معمولاً کمترین مقدار متغیرها در دوره نوجوانی فرزند است و در مرحله آشیانه خالی دوباره افزایش می‌یابد ($P < 0.01$). نتایج پژوهش نشان می‌دهد عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زنانشویی و انعطاف‌پذیری شناختی زوجین از مراحل دوره‌های تحولی خانواده تبعیت می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود زوجین به آموزش مهارت‌های اجتماعی مناسب به نوجوان توجه کنند و بعد از دوره نوجوانی فرزند، مجدداً روابط خود را با اطرافیان بازسازی کنند.

کلیدواژه‌ها: دوره‌های تحولی خانواده، طلاق، عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زنانشویی، انعطاف‌پذیری

شناختی

۱. دانشجوی دکتر، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، تهران M.kheyrollahi@chmail.ir

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

Drasgharjafari@yahoo.com

Counselor_ghamari@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

Vahideh_babakhani@yahoo.com

۴. استادیار، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

مقدمه

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبه‌رو کرده است. دوره‌های تحولی خانواده^۱ روی تغییراتی متمرکز می‌کند که خانواده‌ها در طول زمان در ساختار و روابطشان تجربه می‌کنند. خانواده‌ها در طی زمان، مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارند که باعث به وجود آمدن روابط جدید میان اعضا می‌شود.

به بیان دیگر، همان‌طور که خانواده‌ها در مسیر زندگی خانوادگی پیش می‌روند، روابط درونی‌شان تغییر می‌کند (کلاین و وایت^۲، ۱۹۹۶؛ مک کارتی^۳، ۲۰۰۶). نظریه پردازان تقسیم‌بندی گوناگونی از روند رشد و تحول خانواده داشته‌اند. برای نخستین بار دووال (۱۹۶۷) مطرح کرد که خانواده از هشت مرحله عبور می‌کند و هر مرحله دارای تکالیف محوری خاص خود می‌باشد. این مراحل شامل دوران نامزدی و عقد، خانواده‌های بدون فرزند، خانواده‌های صاحب فرزند پیش-دبستانی، خانواده‌های صاحب فرزند دبستانی، خانواده‌های صاحب فرزند نوجوان، مرحله ترک خانه توسط فرزندان، مرحله آشیانه خالی، خانواده‌های سالمند (از بازنشستگی تا مرگ) می‌باشند (قنبری پناه، شریف مصطفی و احمد، ۲۰۱۳).

از نظر وارینگ^۴ (۲۰۱۵) ازدواج منشأ ایجاد دوره‌های تحولی خانواده است. معمولاً عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، عاطفی و روان‌شناختی پایداری و انسجام خانواده، این نهاد دیرینه و سازنده اجتماعی را تضعیف می‌کند (آماتو، ماروت^۵، ۲۰۱۶). تعارضات زناشویی، پیش‌درآمد جدایی زوجین محسوب می‌شود (حاجی حیدری، اسماعیلی و طالبی، ۱۳۹۴). طلاق، شایع‌ترین تأثیر مخرب تعارض است و آمار بالای طلاق در کشورهای غربی گواه آن است، به طوری که آمار آن به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد (دی ویوجست^۶، ۲۰۱۷). در این راستا جامعه ایرانی نیز در

1 Family Life Cycle.
2 Klein, White.
3 Mc Carthy.
4 Waring .
5 Amato , Marriott.
6 De Vuijs.

دو دهه اخیر به رغم تمام سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، به سمتی در حال حرکت است که روز به روز بر تعداد افراد مطلقه افزوده می‌شود.

از میان عوامل مؤثر بر تعارضات زناشویی که به بروز طلاق منجر می‌گردد، می‌توان به عملکرد خانوادگی اشاره کرد. از نگاه نخست، عملکردهای خانوادگی در چارچوب مفاهیمی چون: جنسیت، بدن، غذا و به طور خلاصه، رفتارهای مرتبط با زندگی خانوادگی مورد توجه قرار می‌گیرد. در تحلیل زندگی خانواده، این رهیافت تحت عنوان «کارکرد باوری» ناظر بر فعالیت‌های ضروری برای حفظ انواع جامعه یا گروه اجتماعی است (قاضیان، ۱۳۸۴). (بهاری و مهدوی هرسینی ۱۳۸۴، به نقل از نصر اصفهانی، اعتمادی و شفیق‌آبادی، ۱۳۹۱) عملکرد خانواده را توانایی خانواده در انطباق با شرایط ایجاد شده در طول حیات، حل تعارضات، همبستگی میان اعضا، موفقیت در الگوهای انضباطی و رعایت مرزهای میان افراد با هدف صیانت از نظام خانواده دانسته‌اند.

الگوی مک مستر، عملکرد خانواده را در سه دسته وظایف بنیادی (شامل موارد فطری و ذاتی چون: تدارک غذا و سرپناه، مهرورزی، عاطفه و...)، وظایف رشدی (شامل مسائل مربوط به رشد فردی چون: نوزادی، کودکی و... و مسائل مربوط به مراحل خانواده، چون: ازدواج اول، اولین بارداری، تولد اولین فرزند) و رویدادهای مخاطره‌آمیز (شامل بحران‌های مربوط به بیماری، تصادف، بیکاری و...) دسته‌بندی می‌نماید.

طبق الگوی مک مستر، ابعاد مهم عملکرد خانواده عبارتند از: حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار (اپستاین، بیشاپ و لوین^۱، ۱۹۷۸). از سویی پژوهش (پرویزی، سرایی، سالمی و کلهری ۱۳۹۵) نشان داد عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین نیز می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند.

سبک‌های مقابله‌ای یکی دیگر از متغیرهایی است که بررسی و نقش آن نیازمند مطالعات طولی است. برای نمونه بررسی (کامرون، بانک، پیروف رودیگرز و براوو^۲، ۲۰۰۶)، مقایسه رابطه طولی و مقطعی سبک‌های مقابله با فرسودگی معلمان نشان داد که مطالعات طولی بهتر از مطالعات مقطعی می‌تواند به تبیین رابطه میان این دو بپردازد. لذا مناسب است همزمان با مطالعه مقطعی، مطالعات طولی که کمتر تحت تأثیر نوسانات رفتاری و روانی قرار دارند نیز انجام پذیرد.

1 Epstein, Bishop, & Levin.

2 Carmona, Buunk, Peiró, Rodríguez, & Bravo.

از دیدگاه لازاروس و فولکمن^۱ (۱۹۸۴) سبک‌های مقابله عبارت است از: تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد که هنگام روبه‌رو شدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن یا به حداقل رساندن عوارض استرس به کار گرفته می‌شود (دافعی، ۱۳۷۶). لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) سبک‌های مقابله با استرس را به دو دسته‌ی کلی مسأله محور و هیجان محور تقسیم کرده‌اند. مقابله‌ای که فشارهای هیجانی را تسکین می‌دهد، به عنوان هیجان محور و مقابله‌ای که فرد تلاش می‌کند تا عوامل به وجود آورنده‌ی این فشارهای هیجانی را تغییر دهد، به عنوان مقابله‌ی مسأله محور تعریف می‌شود (به نقل از حنیفی و امینی، ۱۳۹۵). سلابی فرد، رافضی و حقیقت بیان (۱۳۹۳) به انجام پژوهشی با هدف تعیین رابطه سبک‌های مقابله‌ای با ابعاد تعارضات زناشویی زنان شاغل و زنان خانه‌دار پرداختند.

یکی از متغیرهایی که با آسیب‌شناسی روابط زناشویی در ارتباط است، انعطاف‌پذیری شناختی است (گوتر و الیزابت^۲، ۲۰۱۰). علی‌رغم اینکه پژوهش‌های مختلفی در مورد این سازه‌ی شناختی صورت گرفته است، اما در حال حاضر اتفاق نظری در مورد چگونگی تعریف این مفهوم وجود ندارد.

به طور کلی، توانایی تغییر آمایه‌های شناختی^۳ به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی، عنصر اصلی در تعاریف عملیاتی انعطاف‌پذیری شناختی^۴ است (دنيس و وندروال^۵، ۲۰۱۰). بعضی انعطاف‌پذیری شناختی، توانایی تغییر آمایه‌های شناختی به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی است، یعنی توانایی‌هایی مانند تغییر دیدگاه یا سازگاری انطباقی فرد با قوانین، تقاضاها یا شرایط محیطی جدید (دنيس و وندروال، ۲۰۱۰؛ کاربنلا و تیم پانو^۶، ۲۰۱۶).

توانایی تغییر آمایه‌های شناختی به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی، عنصری اصلی در تعاریف انعطاف‌پذیری شناختی است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). افرادی که از انعطاف‌پذیری کمتری برخوردارند، به سختی می‌توانند یادگیری‌های اولیه خود را فراموش کنند.

1 Lazarus, folkman.

2 Goetter, Elizabeth.

3 Cognitive sets.

4 Cognitive flexibility.

5 Dennis, and Vander Wal.

6 Carbonella, Team Pano.

آنها بر یادگیری‌های قبلی خود که پیامدهای منفی برایشان دارد، پافشاری می‌کنند و این پافشاری به سازگاری آنها با شرایط جدید آسیب می‌رساند (کاربنلا و تیم پانو، ۲۰۱۶). (کالدول و همکاران^۱، ۲۰۱۴) در مطالعه خود نشان دادند که میان کنترل شناختی، انسجام هیجانی و شدت رویدادهای آسیب‌زای گذشته و انعطاف‌پذیری شناختی و عاطفی ارتباط وجود دارد. (گاندوز^۲، ۲۰۱۳، ویو و همکاران^۳ ۲۰۱۲ و وانگ، یان و همکاران^۴ ۲۰۱۰) در تحقیقات خود به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافتند. (خیرالهی و همکاران، ۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند که میان انعطاف‌پذیری شناختی زوجین متقاضی طلاق و چرخه زندگی خانواده رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

(آل‌کثیر و همکاران، ۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که میان میزان انعطاف‌پذیری شناختی زنان دارای اختلاف زناشویی و ابعاد همراهی، عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده رابطه منفی وجود دارد. (شفیعی، بشرپور و حیدری‌راد ۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که انعطاف‌پذیری شناختی و زیر مؤلفه‌های آن، یعنی ادراک کنترل، ادراک چندین راه‌حل و ادراک توجیحات، میانگین نمرات افراد مطلقه به طور معناداری پایین‌تر از افراد بدون سابقه طلاق است.

همچنین (جانکو و همکاران^۵ ۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که انعطاف‌پذیری شناختی کمتر، بر توانایی استفاده از بازسازی شناختی - که راه کاهش پریشانی عاطفی است - تأثیرات منفی می‌گذارد و انعطاف‌پذیری شناختی بیشتر به افراد اجازه می‌دهد بر روش‌های جایگزین تغییرات شناختی، تمرکز بیشتری داشته باشند. (قربانی و همکاران ۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که می‌توان از مداخله ذهن آگاهی مبتنی بر کاهش استرس برای افزایش عملکردهای اجرایی و انعطاف‌پذیری شناختی در زنان استفاده کرد.

نرخ طلاق در چند دهه اخیر افزایش پیدا کرده است و تقریباً به صورت گسترده در جهان رو به افزایش است (سبارا و کوئن، ۲۰۱۷) و شیوع بالای متقاضیان طلاق از میان زوجین ایرانی (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷)، سیر صعود طلاق را نشان می‌دهد. سیر صعودی آمار طلاق، انگیزه

1 Caldwell, Herold, Fedor.

2 Gunduz.

3 Lee, Lu, Hua, Lee, Wu, et al.

4 Zong, Cao, Cao, Shi, Wang, Yan, et al.

5 Johnco, Wuthrich, Rapee

محققان را برای یافتن عوامل مؤثر و راهکارهای مناسب جهت مقابله با این امر افزایش داده است. همچنین (بانمن^۱ ۲۰۱۴) عقیده دارد که با فراهم ساختن فرصت‌های آموزشی جدید برای زوجینی که به دلیل انعطاف‌پذیری شناختی پایین درگیر تعارض زناشویی هستند، می‌توان به این دسته از افراد کمک کرد تا شیوه‌های مخرب و ناکارآمد مقابله با تعارض را تغییر دهند و شیوه‌های کارآمد و سازنده را با توجه به تغییرات در دوره‌های تحولی خانواده در روند زناشویی به کار گیرند. با توجه به اینکه عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی زوجین به عنوان مفهومی شناختی به همسران کمک می‌کند تا میان کارکردهای عقلانی، صمیمیت و خودمختاری در روابط زناشویی خود تعادل برقرار کنند، می‌تواند در روابط میان زوجین نقش سازنده و کارآمدی داشته باشد و بر سطح رضایتمندی زناشویی آنان تأثیر بگذارد (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۸).

اکثر مطالعات مقطعی پیشین و پژوهش میکائیلی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین پرداخته و تا کنون هیچ پژوهشی، به بررسی اثربخشی عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارضات زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی طی تغییرات دوره‌های تحولی خانواده روی زوجین متقاضی طلاق توجه ننموده است. در واقع مطالعات پیشین بدون در نظر گرفتن تغییرات دوره‌های تحولی خانواده، به بررسی اثربخشی عوامل مؤثر در گرایش به طلاق صورت گرفته است (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۸).

از این رو با توجه به اهمیت موضوع طلاق و افزایش روزافزون آمار طلاق در کل جامعه و بخصوص استان آذربایجان شرقی، با استناد به پژوهش فولادی و شاه‌نعمتی ۱۳۹۴، خیراللهی و همکاران در سال ۱۳۹۸، نگارنده در پژوهش حاضر با به کار گرفتن روش تحلیل روند، به بررسی این سؤال پژوهشی پرداخته که آیا تغییرات دوره‌های تحولی خانواده می‌تواند مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارضات زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی را در زوجین متقاضی طلاق طراحی کند؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زوجین متقاضی طلاق در دامنه سنی ۱۶ تا ۶۰ سال در استان آذربایجان شرقی هستند که در شش ماه اول سال ۹۷ به دادگاه‌های خانواده مراجعه کردند. وضعیت فعلی زندگی زناشویی زوجین شرکت‌کننده در پژوهش به این صورت است که حداقل یکی از همسران باید متقاضی طلاق باشد. نمونه‌های پژوهش به شکل نمونه‌گیری هدفمند از زوجین متقاضی طلاق انتخاب شدند. پژوهشگر پس از اخذ معرفی‌نامه از دانشگاه در شش ماهه اول سال ۱۳۹۷، به دادگاه‌های خانواده در استان آذربایجان شرقی مراجعه کرده و از زوجین متقاضی طلاق که روزانه به این دادگاه‌ها مراجعه می‌کردند، درخواست نموده تا به سؤالات پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. با توجه به روش پژوهش همبستگی و طراحی مدل، ۲۰۰ تن از زوجین متقاضی طلاق (۴۰۰ نفر) در دسترس از زوجین متقاضی طلاق به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده است. بر اساس اطلاعات موجود در پرونده آنان، زوجین متقاضی طلاق در چرخه‌های گوناگون زندگی انتخاب شدند.

معیارهای ورود و خروج شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت زیر بودند:

معیارهای ورود شرکت‌کنندگان:

- از سلامت روانی و جسمانی بهنجار برخوردار باشند. این معیار در مصاحبه اولیه با زوجین کنترل شده است.
- یکی از همسران یا هر دو آنها باید متقاضی طلاق باشند و به دادگاه خانواده مراجعه کرده باشند که بر اساس پرونده دادگاهی آنان این مسأله کنترل شد.
- شرکت‌کنندگان باید در دامنه ۱۶ تا ۶۰ سال باشند.

در صورتی که زوجین متقاضی طلاق شرایط ورود به پژوهش را نداشتند، نمی‌توانستند در پژوهش شرکت کنند.

معیارهای خروج شرکت‌کنندگان:

- از سلامت روانی و جسمانی بهنجار برخوردار نباشند. این معیار در مصاحبه اولیه با زوجین کنترل شده است.
- همسران متقاضی طلاق نباشند یا به دادگاه خانواده مراجعه نکرده باشند.

- شرکت کنندگان کوچک‌تر از ۱۶ سال و بیشتر از ۶۰ سال باشند.

ابزار سنجش عملکرد خانواده، پرسشنامه ۵۳ سؤالی است که برای سنجیدن عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک مستر ۱ تدوین شده است. جهت تهیه این پرسشنامه، نسخه انگلیسی پرسشنامه FAD-53 با نسخه فارسی مقیاس سنجش خانواده -۶۰ آیتمی به ترجمه باقر ثنایی تطبیق داده شده است.

این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و شش بُعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌کند. این ابعاد شامل: حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار است، لذا ابزار سنجش عملکرد خانواده متناسب با این شش بُعد از شش خرده مقیاس برای سنجیدن آن‌ها به علاوه یک خرده مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده تشکیل شده است.

نمره‌گذاری با استفاده از طیف لیکرت از ۱ تا ۴ داده شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). نمره پایین، نشان‌دهنده عملکرد بیشتر و رابطه بهتر و نمرات بالاتر از میانگین، نشان‌دهنده عملکرد کمتر و ناسالم‌تر است. ابزار سنجش عملکرد خانواده با ضریب آلفای خرده مقیاس‌های خود از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است (میرعنایت، ۱۳۷۸).

پرسشنامه سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی به وسیله رحیم (ROCI-II) تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۲۸ سؤال بوده و هدف آن، ارزیابی سبک‌های حل تعارض افراد در رابطه با همسر (سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم شده، سبک اجتناب‌کننده، سبک مصالحه) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت ارائه گردیده است. در پژوهش حقیقی و همکاران (۱۳۹۱) میان خرده مقیاس‌های پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم و پرسشنامه CRQ همبستگی مثبت و منفی مشاهده شد که بیانگر روایی همگرا و واگرای مطلوب این پرسشنامه می‌باشد.

همچنین پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (۰) به معنای عدم پایداری تا مثبت یک (+۱) به معنای پایایی کامل قرار می‌گیرد و هر چه مقدار به دست آمده به عدد مثبت یک نزدیک‌تر باشد، قابلیت اعتماد به پرسشنامه بیشتر می‌شود.

برای سنجش انعطاف‌پذیری شناختی نمونه‌های پژوهش از ابزار پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی استفاده شده است. این پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی توسط دنیس و وندر وال^۱ (۲۰۱۰) معرفی شده و یک ابزار خود گزارشی کوتاه ۲۰ سؤالی است که برای سنجش نوعی از انعطاف‌پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود.

این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است و سه جنبه از انعطاف‌پذیری شناختی را می‌سنجد: الف) میل به درک موقعیت‌های سخت به عنوان موقعیت‌های قابل کنترل (ادراک کنترل‌پذیری)؛ ب) توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان‌ها (ادراک توجیه رفتار)؛ ج) توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برای موقعیت‌های سخت (ادراک گزینه‌های مختلف).

این پرسشنامه برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در کار بالینی و غیر بالینی و برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر در درمان شناختی رفتاری افسردگی و سایر بیماری‌های روانی به کار می‌رود. در ایران با پژوهش شاره و همکاران، سه زیر مقیاس برای این پرسشنامه به دست آمده است که عبارتند از: جایگزین‌ها، کنترل و جایگزین‌هایی برای رفتارهای انسانی.

اعتبار همزمان این پرسشنامه با افسردگی بک، برابر با ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی مارتین و رابین^۲ ۰/۷۵ بود (دنیس و واندر وال، ۲۰۱۰). در ایران شاره و همکاران (به نقل از سلطانی، شاره، بحرینیان و فرمانی، ۲۰۱۳) ضریب باز آزمایی کل مقیاس را ۰/۷۱ و ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ گزارش نموده‌اند.

یافته‌ها

در این مطالعه، داده‌های مربوط به ۲۰۰ زوج (۴۰۰ شرکت‌کننده) تحلیل شد. در جدول و نمودار زیر وضعیت پاسخگویان از نظر دوره‌های تحولی خانواده نمایش داده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده، بیشترین افراد پاسخگو در مرحله‌ی خانواده‌های بدون فرزند، متقاضی طلاق هستند.

جدول ۱. فراوانی پاسخگویان از نظر دوره‌های تحولی خانوادگی

مراحل چرخه	فراوانی	درصد فراوانی
دوره عقد	۷۶	۱۹
خانواده‌های بدون فرزند	۹۶	۲۴
خانواده‌های دارای فرزند پیش‌دبستانی	۶۸	۱۷
خانواده‌های دارای فرزند دبستانی	۵۶	۱۴
خانواده‌های دارای فرزند نوجوان	۵۰	۱۲/۵
ترک خانه توسط فرزندان	۳۶	۹
خانواده سالمند خالی از فرزند	۱۸	۴/۵
کل	۴۰۰	۱۰۰

در راستای تحلیل استنباطی و آزمون سؤال پژوهش از آزمون‌های کولموگوروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و روش تحلیل روند و تحلیل واریانس یکراهه با استفاده از رگرسیون منحنی درجه دوم برای تهیه مدل و تست فرضیات استفاده شده است و از این طریق، به آزمون طراحی مدل پیش‌بینی انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات دوره‌های تحولی خانواده در زوجین متقاضی طلاق پرداخته شده است.

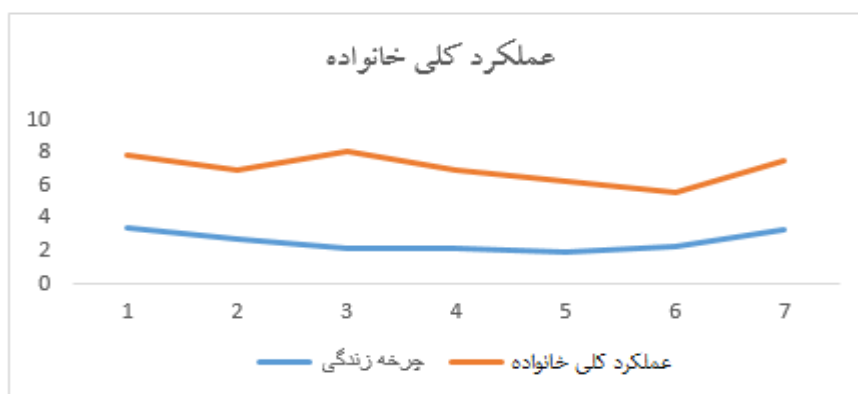
سؤال پژوهش: مدل پیش‌بینی عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات دوره‌های تحولی خانواده در زوجین متقاضی طلاق چیست؟

به منظور بررسی رابطه میان متغیرها (عملکرد خانواده، سبک مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی) و مراحل مختلف چرخه زندگی از روش تحلیل رگرسیون منحنی^۱ استفاده شد. در این روش مراحل دوره‌های تحولی خانواده به عنوان متغیر پیش‌بین و متغیرها به عنوان متغیر ملاک وارد تحلیل شدند. از آنجا که تحلیل درجه دوم منحنی در مورد متغیرهای ملاک، F معناداری را در تحلیل درجه دوم نشان داد، لازم است نتایج تحلیل واریانس یکراهه تک متغیره را در هر یک از موارد بررسی کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون تعقیبی توکی

P	F	سالمند بدون فرزند میانگین انحراف معیار	ترک خانه متوسط فرزندان میانگین انحراف معیار	فرزندنوجوان میانگین انحراف معیار	دبستانی میانگین انحراف معیار	پیش دبستان میانگین انحراف معیار	بدون فرزند میانگین انحراف معیار	عقد کرده میانگین انحراف معیار	زیر مقیاس
۰/۰۱۶	۴/۶۱	۲/۲۶۱ ۰/۶۱۵	۲/۴۴ ۰/۸۱	۲/۸۰۸ ۰/۸۷	۱/۹۱ ۰/۵۶	۱/۵۴ ۰/۴۸	۲/۲۵ ۱/۰۸۲	۱/۹۸ ۰/۶۲	عملکرد کلی خانواده
۰/۰۰۹	۴/۶۳۵	۲/۰۹۳ ۰/۶۵۲	۲/۷۳۲ ۰/۹۱۵	۲/۴۶ ۰/۸۱	۲/۰۹ ۰/۶۹	۲/۷۹ ۰/۸۵	۲/۳۶ ۱/۰۶	۴/۶۷ ۱/۴۴	سبک مقابله
۰/۰۰۰	۷/۵۳۶	۳/۸۵۵ ۱/۲۹۳	۳/۷۰۵ ۱/۱۳۷	۲/۸۱۵ ۰/۸۹	۲/۷۵۵ ۰/۹۱۶	۳/۲۱ ۱/۰۲	۳/۷۲۴ ۱/۱۸۷	۳/۴۱ ۱/۰۹	انعطاف‌پذیری شناختی

داده‌های توصیفی و نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه برای عملکرد کلی خانواده، سبک مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی ارائه شده است. داده‌های این تحلیل نشان می‌دهند که در هر سه متغیر عملکرد کلی خانواده، سبک مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی میان دوره‌های مختلف دوره‌های تحولی خانواده تفاوت معناداری وجود دارد.



نمودار ۱. تحلیل روند مراحل دوره‌های تحولی خانوادگی و عملکرد کلی خانواده

نگاهی به نمودار عملکرد کلی خانواده، دوره‌های تحولی خانواده را در مراحل اولیه (مرحله عقد و مرحله خانواده دارای فرزند پیش دبستانی) و انتهایی (خانواده سالمند خالی از فرزند) نمایان می‌سازد. عملکرد خانواده بعد از مرحله عقد - که تنش‌هایی مخصوص خودش را داراست - در مرحله خانواده صاحب فرزند پیش دبستانی، به بالاترین میزان خود می‌رسد و با ورود فرزندان به دبستان، دوباره سیر نزولی خود را آغاز نموده و به کمترین میزان خود در مرحله خروج فرزندان از آشیانه می‌رسد. در نهایت با خروج فرزندان از خانواده، سیر صعودی در پیش می‌گیرد و در مرحله خانواده سالمند خالی از فرزند، باز به بیشترین میزان خود دست می‌یابد.

تغییرات روند عملکرد کلی خانواده در طول دوره‌های تحولی خانواده نشان‌دهنده روند منحنی این تغییرات می‌باشد که با استفاده از رگرسیون منحنی درجه دوم آزمون و معادله منحنی آن به دست آمده است.

جدول ۴ ضریب تأثیر متغیر دوره‌های تحولی خانواده ($B=1/31$) و آماره t را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب تأثیر، بتا، و ارزش t

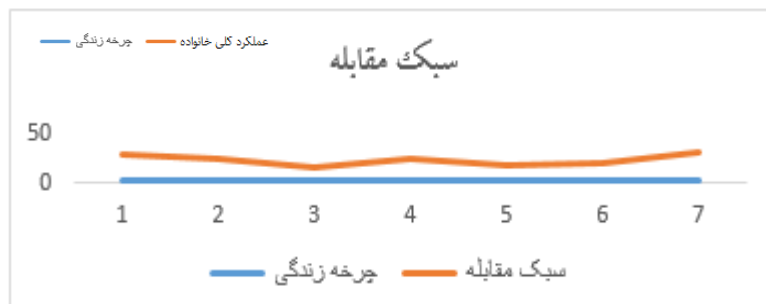
متغیر	B	β	SD	t	سطح معنی‌داری
دوره‌های تحولی خانوادگی	۱/۳۱	۲/۳۴	۰/۲۲	۴/۸۹	۰/۰۰۱۶

عملکرد کلی خانواده می‌تواند تغییرات مربوط به عملکرد خانواده را به میزان ۱۵ درصد پیش‌بینی کند (جدول ۵). معادله منحنی فوق به این ترتیب خواهد بود:

$$Y=41/2+3/98X+1/31X^2$$

جدول ۴. تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون دوره‌های تحولی خانوادگی بر متغیر عملکرد خانواده

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معنی‌داری	R	R^2	SE
رگرسیون	۱۲۰۳/۰۹	۲	۵۹۹/۲۳	۱۳/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۱۵	۷/۱۹
باقی‌مانده	۵۱۸۳/۲۱	۳۶۸	۱۴/۰۸۹					



نمودار ۲. تحلیل روند مراحل دوره‌های تحولی خانوادگی و سبک مقابله

تحلیل روند بیانگر آن است که در مرحله خانواده صاحب فرزند پیش‌دبستانی و همچنین مرحله خانواده صاحب فرزندان نوجوان در دوره‌های تحولی خانواده، تعارض زناشویی در بیشترین مقدار خود وجود دارد که این باعث می‌شود خانواده‌ها از سبک‌های مقابله استفاده کنند. تغییرات روند سبک مقابله در طول دوره‌های تحولی خانواده نشان‌دهنده روند منحنی این تغییرات می‌باشد که با استفاده از رگرسیون منحنی درجه دوم آزمون و معادله منحنی آن به دست آمده است. جدول شماره ۶ ضریب تأثیر متغیر دوره‌های تحولی خانواده ($B=1/19$) و آماره t را نشان می‌دهد.

جدول ۵. ضرایب تأثیر، بتا، و ارزش t

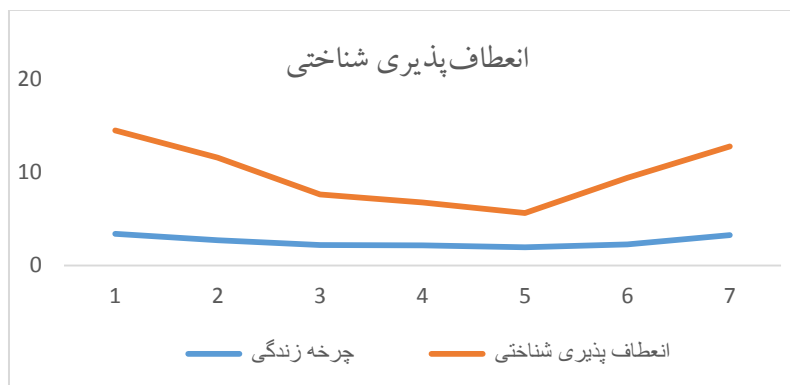
متغیر	B	β	SD	t	سطح معنی‌داری
دوره‌های تحولی خانوادگی	1/19	2/34	0/23	4/82	0/009

سبک مقابله با تعارض زناشویی می‌تواند تغییرات مربوط به سبک مقابله با تعارض زناشویی را به میزان ۱۸ درصد پیش‌بینی کند (جدول ۷). معادله منحنی فوق به این ترتیب خواهد بود:

$$Y=48/5+9/9X+1/19X^2$$

جدول ۶. تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون چرخه زندگی بر متغیر سبک مقابله

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معنی‌داری	R	R^2	SE
رگرسیون	1200/89	2	599/23	14/005	0/000	0/42	0/18	7/04
باقی‌مانده	5183/21	368	47/69					



نمودار ۳. تحلیل روند مراحل دوره‌های تحولی خانوادگی و انعطاف‌پذیری شناختی

نگاهی به نمودار تحلیل روند انعطاف‌پذیری شناختی، دوره‌های تحولی خانواده را در مراحل اولیه (مرحله عقد و مرحله خانواده بدون فرزند) و انتهای (خانواده سالمند خالی از فرزند) بیشتر نمایان می‌سازد. انعطاف‌پذیری شناختی بعد از مراحل آشنایی و عقد که تنش‌هایی مخصوص خود را داراست، سیر نزولی به خود می‌گیرد. با ورود فرزند به خانواده کمتر شده و دوباره سیر نزولی به خود می‌گیرد. در مرحله خانواده صاحب فرزند نوجوان به کمترین میزان خود می‌رسد که با خروج اولین فرزند از خانواده دوباره آغاز به سیر صعودی نموده است. همچنین در مرحله خانواده صاحب فرزند نوجوان، دارای کمترین میزان ممکن می‌شود که با خروج فرزندان از خانواده سیر صعودی در پیش می‌گیرد و در مرحله خانواده سالمند خالی از فرزند، دوباره به بیشترین میزان خود دست می‌یابد.

تغییرات روند انعطاف‌پذیری شناختی در طول چرخه زندگی، نشان‌دهنده روند منحنی این تغییرات می‌باشد که با استفاده از رگرسیون منحنی درجه ۲ آزمون و معادله منحنی آن به دست آمده است.

جدول شماره ۸ ضریب تأثیر متغیر چرخه زندگی ($B=0/89$) و آماره t را نشان می‌دهد.

جدول ۷. ضرایب تأثیر، بتا، و ارزش t

متغیر	B	β	SD	t	سطح معنی‌داری
دوره‌های تحولی خانوادگی	0/89	1/94	0/21	3/42	0/000

انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند تغییرات مربوط به میزان انعطاف‌پذیری شناختی خانواده را به میزان ۹ درصد پیش‌بینی کند (جدول ۹). معادله منحنی فوق به این ترتیب خواهد بود:

$$Y=42.7+5.9X+0.89X^2$$

جدول ۸. تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون چرخه زندگی بر متغیر انعطاف‌پذیری شناختی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معنی‌داری	R	R ²	SE
رگرسیون	۱۲۰۰/۸۹	۲	۵۹۹/۲۳	۱۴/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۳۰	۰/۰۹	۶/۱۴
باقی‌مانده	۵۱۸۳/۲۱	۳۶۸	۴۷/۶۹					

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای عملکرد خانواده، سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی با دوره‌های تحولی خانواده رابطه مثبت و معناداری دارد. روند تغییرات متغیرها (عملکرد خانواده، سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی) و ابعاد آن طی دوره‌های تحولی خانوادگی متفاوت است. رابطه منحنی برای همه متغیرها به لحاظ آماری معنادار و در بعضی زیرمقیاس‌های متغیرها روابط منحنی و خطی از معناداری آماری لازم برخوردار نبودند و ثبات نسبی در روند تغییرات آن‌ها وجود داشت. به صورت دقیق‌تر برای هر متغیر می‌توان بیان کرد:

روند میزان عملکرد خانواده شامل تغییرات متفاوتی است و به طور کلی ماکزیمم مقدار، در مراحل عقد و خانواده سالمند خالی از فرزند می‌باشد. به نظر می‌رسد والدین در مرحله‌ای از زندگی که دارای فرزند هستند، افت میزان عملکرد خانواده را بر سر مسائل زندگی تجربه می‌کنند. دیری نمی‌پاید که نوجوانی رخ می‌دهد و مطالبات نوجوان، عملکرد والدین را به چالش می‌کشد.

در مورد روند میزان عملکرد خانواده، نتایج با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو بود (یوسفی و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵)، بخشی‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، موسوی (۱۳۹۱)، رحیمی‌نژاد و پاک‌نژاد (۱۳۹۳)، خالدی و همکاران (۱۳۹۳)). این تعارض با بزرگ‌تر شدن فرزندان افزایش یافته و با خروج آن‌ها از خانه کاهش می‌یابد.

با عبور از این مرحله و خروج نخستین فرزند از خانواده و نیز ورود به مرحله خانواده سالمند خالی از فرزند از این فشارها کاسته می‌شود.

همچنین روند میزان سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی در چرخه زندگی با مرحله ورود اولین فرزند سیر نزولی به خود گرفته و با ورود فرزندان به دبستان به بیشترین مقدار خود می‌رسد که می‌توان گفت در این مرحله از چرخه زندگی احتمالاً خانواده با وجود فرزند و انواع مطالبات آن کنار آمده است؛ اما دیری نمی‌پاید که مرحله نوجوانی فرزندان خانواده با میزان سبک‌های مقابله با تعارضات زناشویی سیر نزولی در پیش می‌گیرد و در نهایت با خروج فرزندان از خانه دوباره سیر صعودی خود را از سر گرفته و به بیشترین میزان خود در مرحله خانواده سالمند خالی از فرزند می‌رسد.

نتایج روند سبک مقابله با تعارض زناشویی با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو است (نامنی و همکاران (۱۳۹۷)، فتحی و همکاران (۱۳۹۴)، قادری و همکاران (۱۳۸۸)، سلابی‌فرد و همکاران (۱۳۹۳)، کاظمیان و همکاران (۱۳۹۲)).

در مورد روند انعطاف‌پذیری شناختی با چرخه زندگی در هر مرحله شاهد تغییرات متفاوتی هستیم. به طور دقیق‌تر می‌توان بیان کرد که بیشترین میزان انعطاف‌پذیری شناختی در مراحل دوران عقد و خانواده بدون فرزند می‌باشد. روند میزان انعطاف‌پذیری شناختی در چرخه زندگی با مرحله ورود اولین فرزند سیر نزولی به خود گرفته و به کمترین مقدار خود در مرحله نوجوانی فرزند می‌رسد و با مرحله خانواده سالمند خالی از فرزند دوباره سیر صعودی خود را از سر می‌گیرد. نتایج روند انعطاف‌پذیری شناختی در طول دوره‌های تحولی خانواده چرخه زندگی با یافته‌های پژوهش‌های قبلی همسو می‌باشد (خیرالهی و همکاران (۱۳۹۸)، شاره و اسحاقی (۱۳۹۷)، اصل‌دهقان و همکاران (۱۳۹۵)، صادقی و همکاران (۱۳۹۷)، آل‌کثیر و همکاران (۱۳۹۷)، شفیع‌ی و همکاران (۱۳۹۵)، جانکو و همکاران (۲۰۱۴)، قربانی و همکاران (۱۳۹۷)، تقی‌زاده و فرمانی (۱۳۹۲)، میکائیلی و همکاران (۱۳۹۷)، فاضلی و همکاران (۱۳۹۳)).

هدف از این مقاله، طراحی مدل و نشان دادن تغییرات تعارضات مورد بررسی در طول دوره‌های تحولی خانواده با استفاده از روش تحلیل روند بوده است. به لحاظ بالینی، آگاهی متخصصان از تغییرات مورد انتظار در مسیر زندگی زناشویی می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر، هم در حوزه درمان و هم آموزش زوجین کمک‌شایانی کند. آگاهی از تغییراتی که می‌توان آن‌ها را بخش طبیعی زندگی زناشویی دانست، این نگاه مثبت را به همراه دارد که این نوسانات در رضایت زناشویی خاص یک زوج نبوده و دارای الگویی در جامعه بزرگ‌تر یا حتی جهانی است. این شناخت به خودی خود می‌تواند تسکین‌بخش و راهگشا باشد و به زوجین نشان دهد مشکل پیش‌رو می‌تواند

بخش طبیعی از زندگی باشد که مستلزم کنار آمدن و کسب مهارت‌های متناسب با این مرحله زندگی است.

روند تغییرات نشان داد که حضور فرزندان صرف‌نظر از سن آنها رابطه منفی با میزان عملکرد خانواده، سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی در طول چرخه زندگی خانواده دارد. به طور دقیق‌تر می‌توان بیان کرد که بیشترین میزان مقادیر متغیرها در مراحل عقد و خانواده سالمند خالی از فرزند می‌باشد. روند میزان متغیرها در دوره‌های تحولی خانواده با مرحله ورود اولین فرزند سیر نزولی به خود گرفته و به کمترین مقدار خود در مرحله نوجوانی فرزند می‌رسد و با مرحله آشیانه بدون فرزند دوباره سیر صعودی خود را از سر می‌گیرد.

به عبارت دیگر، فرزندان مطالباتی مانند زمان و هزینه بیشتر دارند که استرس را در والدین افزایش داده و به نوبه خود تأثیری منفی بر رضایت زناشویی آنان خواهد داشت. به نظر می‌رسد والدین در مرحله‌ای از زندگی که کودکان زیر ۶ سال (مرحله پیش‌دبستانی) و نوجوان دارند، افت میزان عملکرد خانواده، سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی را در مسائل زندگی تجربه می‌کنند، اما دیری نمی‌پاید که نوجوانی رخ می‌دهد و مطالبات نوجوان عملکرد خانواده، سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی والدین را به چالش می‌کشد. این تعارض با بزرگ‌تر شدن فرزندان افزایش یافته و با خروج آنها از خانه کاهش می‌یابد.

با عبور از این مرحله و خروج نخستین فرزند از خانواده و نیز ورود به مرحله آشیانه بدون فرزند و سالمندی از این فشارها و چالش‌ها کاسته می‌شود. به لحاظ بالینی، آگاهی متخصصان از تغییرات مورد انتظار در مسیر زندگی زناشویی می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر هم در حوزه درمان و هم آموزش زوجین کمک شایانی کند.

آگاهی از تغییراتی که می‌توان آنها را بخشی طبیعی از زندگی زناشویی در طول زمان دانست، این نگاه مثبت را به همراه دارد که این نوسانات در رضایت زناشویی خاص یک زوج نبوده و دارای الگویی در جامعه بزرگ‌تر یا حتی جهانی است. این شناخت به خودی خود می‌تواند تسکین‌بخش و راهگشا باشد و به زوجین نشان دهد مشکل پیش‌رو می‌تواند بخش طبیعی از زندگی باشد که مستلزم کنار آمدن و کسب مهارت‌های متناسب با این مرحله زندگی است.

در پی چنین تغییراتی، خانواده نوجوان خود را برای آموزش مهارت‌های اجتماعی جدید در برخورد با مسائل جدی پیش‌رو یاری می‌کند و با خروج اولین فرزند از خانه و گذر از بحران

نوجوانی، والدین می‌توانند مجدداً روابط خود را با دوستان و اطرافیان بازسازی کنند (خیرالهی و همکاران، ۱۳۹۸).

در تبیین این نتیجه که عملکرد خانواده، سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف‌پذیری-شناختی زوج‌ها پس از ورود اولین فرزند سیر نزولی دارد، در مرحله نوجوانی فرزند به حداقل می‌رسد و با مرحله خانواده سالمند خالی از فرزند دوباره سیر صعودی پیدا می‌کند، می‌توان گفت که پرورش و مسائل تربیتی فرزند ترکیب و اندازه شبکه اجتماعی والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی فرزندان خیلی کوچک هستند، فراوانی تماس‌های اجتماعی والدین را کاهش می‌دهند و شاید تنها خویشاوندان نزدیک، شبکه اجتماعی والدین را تشکیل دهند. اما به طور منطقی می‌توان انتظار داشت که با بزرگ‌تر شدن فرزندان و کسب توانایی مراقبت از خودشان، فرصت والدین برای برقراری تماس‌های اجتماعی افزایش یابد. با این وجود، بحران ورود فرزند به مرحله نوجوانی می‌تواند روابط خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، نیازهای ارتباطی جدید نوجوان، والدین را در روابط اجتماعی خود با مسأله جدیدی مواجه می‌سازد؛ به گونه‌ای که روابط خانواده مجدداً به ارتباطات درون خانواده هسته‌ای معطوف می‌شود تا بحران نوجوانی پشت سر گذاشته شود.

تغییر در ساختار خانواده برای رویارویی با تکالیف دوره نوجوانی آنچنان مهم است که خانواده را از یک واحد پرورش دهنده و حمایت‌کننده فرزندان کوچک به مرکز اصلی آماده‌سازی نوجوان برای ورود به دنیای مسئولیت‌ها و تعهدات بزرگسالی تبدیل می‌کند که به نظر می‌رسد این تغییر شکل خانواده، تغییرات عمیقی در دیدگاه‌های شناختی زوجین ایجاد می‌کند (خیرالهی و همکاران، ۱۳۹۸).

پژوهش حاضر روی زوجین متقاضی طلاق در استان آذربایجان شرقی انجام شده است که به لحاظ علل تعارضات زناشویی و طلاق متفاوت هستند و همچنین محدود بودن نمونه و وجود تفاوت‌های فرهنگی، قومی و خانوادگی شرکت‌کنندگان، محدودیت‌هایی را در مورد نتایج پژوهش حاضر ایجاد می‌کند. بر این اساس محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسناد علت‌شناسی متغیرها ایجاد می‌کند که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به نقش این متغیرها توجه شود.

همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی به تأثیر آموزش و مشاوره درمانی در مورد برخورد با مسائل جدید پیش رو، مهارت‌های اجتماعی و روابط زوجین در نحوه برخورد با فرزندان پرداخته شود.

علاوه بر این، با توجه به افزایش مقادیر متغیرها و سازگاری زوجین در مراحل آغازین و پایانی دوره‌های تحولی خانوادگی زوجین متقاضی طلاق، پیشنهاد می‌گردد از آموزش مهارت‌های ارتباط با فرزندان و همسر برای بهبود وضعیت زناشویی زوجین در مراکز آموزشی و مشاوره در کارگاه‌های آموزشی پیش از ازدواج استفاده شود.

در نهایت با توجه به کاهش میزان متغیرها در زوجین صاحب فرزند نوجوان، پیشنهاد می‌شود در پی چنین تغییراتی، خانواده نوجوان خود را برای آموزش مهارت‌های اجتماعی جدید در برخورد با مسائل جدی پیش رو یاری کند و با خروج اولین فرزند از خانه و گذر از بحران نوجوانی، والدین می‌توانند مجدداً روابط خود را با دوستان و اطرافیان بازسازی کنند.

منابع

- احمدی، خدابخش و علی فتحی آشتیانی. (۱۳۸۳). «بررسی تأثیر روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین»، مجله‌ی روان‌شناسی، ۴، ۸، ۴۰۳-۳۸۹.
- آقایوسفی، علیرضا و دیگران. (۱۳۹۴). اثربخشی ساختارگرایی بر تعارضات زناشویی، سبک‌های اسناد و بهزیستی اجتماعی، دوفصلنامه روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۳، ۲، ۱۲۸-۱۱۵.
- آل‌کثیر، عماد و دیگران. (۱۳۹۷). «نقش انعطاف‌پذیری شناختی زنان دارای اختلاف زناشویی در پیش‌بینی عملکرد خانواده»، سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روان‌شناسی، ۹.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی، ۷۴-۷۳.
- تقی‌زاده، محمد احسان و اعظم فرمانی. (۱۳۹۲). «بررسی نقش انعطاف‌پذیری شناختی در پیش‌بینی نومیدی و تاب‌آوری در دانشجویان»، فصلنامه روان‌شناسی شناختی، ۱، ۲، ۲۳-۲۱.
- ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.
- حاجی حیدری، زهرا و دیگران. (۱۳۹۴). «تعارضات زناشویی زوجین فاقد فرزند در آستانه طلاق: یک مطالعه کیفی»، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۴، ۱، ۲۱-۱۲.
- حافظ نیا، م. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
- حسینی سه‌ده، سید مجتبی و علی فتحی آشتیانی. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین رضایتمندی زناشویی و مدت زمان ازدواج در میان دانش‌پژوهان مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة‌الله)»، روان‌شناسی و دین، ۳، ۴، ۱۴۵-۱۲۷.

- حیدری‌راد، حدیث و دیگران (۱۳۹۵). «مقایسه نگرش‌های ناکارآمد و انعطاف‌پذیری‌شناختی در زنان با و بدون سابقه طلاق»، فصلنامه زن و فرهنگ، ۸، ۳۰، ۱۱۲-۱۰۳.
- خیرالهی، محمد و دیگران. (۱۳۹۸). «طراحی مدل پیش‌بینی انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات چرخه زندگی در زوجین متقاضی طلاق»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۰، ۳۹، ۱۸۰-۱۵۷.
- رستمی، چنگیز و دیگران. (۱۳۹۵). «نقش انعطاف‌پذیری شناختی و ذهن آگاهی در پیش‌بینی اهمال‌کاری دانشجویان»، مجله علوم پزشکی زانکو، ۶۱-۵۰.
- شاره، حسین و مریم اسحاقی ثانی. (۱۳۹۷). «نقش پیش‌بین شخصیت بامدادی شامگاهی، انعطاف‌پذیری شناختی و تنظیم شناختی هیجان در رضایت زناشویی زنان میانسال». مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۲۴، ۳۸۴-۳۹۹، (۴).
- شجاعی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۸). «بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج بر اساس میزان سطح تحصیلی در زوجین»، فصلنامه فرهنگ و مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰، ۳۸، ۱۳۴-۱۱۱.
- عباسی، محمدباقر و دیگران. (۱۳۹۷). «طلاق در ایران»، سازمان ثبت احوال کشور، تهران.
- فاضلی، مژگان و پروین احتشام‌زاده. (۱۳۹۳). «اثر بخشی درمان شناختی - رفتاری بر انعطاف‌پذیری شناختی افراد افسرده»، فصلنامه اندیشه و رفتار، ۹، ۳۴، ۹۱-۲۷.
- فولادی، اصغر و نویده شاه‌نعمتی گاوگانی. (۱۳۹۴). «بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی (تبریز)»، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶، ۲، ۱۰۹-۹۳.
- قادری، زهرا و دیگران. (۱۳۸۸). «اثر بخشی خانواده درمانی ستیز بر تغییر سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی»، مجله اندیشه و رفتار، ۳، ۱۱، ۷۶-۶۷.
- قربانی، مریم و دیگران. (۱۳۹۷). «اثر بخشی مداخله‌ی ذهن آگاهی مبتنی بر کاهش استرس بر عملکردهای اجرایی و انعطاف‌پذیری شناختی در زنان دارای خصیصه نوروگرایبی در شهر اصفهان»، مجله روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۵، ۳، ۳۷-۲۲.
- قمری، محمد و خوشنام، امیرحسین. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت ارتباط در زندگی بین دانشجویان»، فصلنامه‌ی خانواده پژوهی، ۷، ۲۷، ۳۵۴-۳۴۳.
- کلاتری، خلیل. (۱۳۸۸). «مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی (با برنامه LISREL و SIMPLIS)»، چاپ اول، فرهنگ صبا، ۲۴۴-۱.
- ملکی زاده، علی‌اصغر و دیگران. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل عواطف در زوجین»، اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت خدمات برتر، https://www.civilica.com/Paper-PSSCONF01-PSSCONF01_104.html
- میکائیلی، نیلوفر و دیگران. (۱۳۹۷). «نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین»، دو فصلنامه آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۴، ۳۸، ۱۶-۱.

- میکائیلی، نیلوفر و دیگران. (۱۳۹۷). «مقایسه اثر بخشی زوج‌درمانی مبتنی بر فراهیجان با زوج‌درمانی روایتی بر سازگاری و دل‌زدگی زناشویی زوجین متعارض»، فصلنامه فرهنگ و مشاوره و روان‌درمانی، ۹، ۳۴، ۹۷-۱۰۱.
- نریمانی، محمد و دیگران. (۱۳۹۳). «مقایسه اثربخشی دو رویکرد مبتنی بر آموزش پذیرش و تعهد و روان‌درمانی گروهی بر تعدیل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱، ۴، ۱-۲۸.
- نصر اصفهانی، نرگس و دیگران. (۱۳۹۱). «اثربخشی آموزش معنامحور بر عملکرد خانواده زنان متأهل»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲، ۲، ۲۰۹-۲۲۱.
- نصیری‌ده‌سرخی، راضیه و موسوی، سیده فاطمه. (۱۳۹۴). «مطالعه برخی همبسته‌های رضایت جنسی و رضایت زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان»، فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۴، ۲، ۱۳۵-۱۵۲.
- Amato, P. R., & Marriott, B. H. (2016). A Comparison of high-and low Distress Marriages that end in Divorce. *Journal of Marriage and Family*, (69)2, 621-638.
- Banmen, J., Maki-Banmen, K. (2014). What has become of Virginia Satir's therapy model since she left us in 1988? *Journal of Family Psychotherapy*, (25)2, 117-131. doi:10.1080/08975353.2014.909706
- Beilby, J. (2014). Psychosocial impact of living with a stuttering disorder: Knowing is not enough. In *Seminars in speech and language*, Theme Medical Publishers.
- Canas, J., Quesada, J., Antolí, A., & Fajardo, I. (2003). Cognitive flexibility and adaptability to environmental changes in dynamic complex problem-solving tasks. *Journal of Ergonomics*, (46)5, 482-501.
- Carbonella, J. Y., & Timpano, K. R. (2016). Examining the link between hoarding symptoms and cognitive flexibility deficits. *Behav Ther.* (47)2, 262-73.
- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*, (76)5, 930-48.
- Chapman, A. R., & Cattaneo, L. B. (2013). American Muslim marital quality: A preliminary investigation. *Journal of Muslim Mental Health*, (7)2, 1-24.
- Claire, M. Kamp Dush., & Miles G. Taylor. (2011). Trajectories of Marital Conflict across the Life course: Predictors and Interactions with Marital Happiness.
- De Vuijst, E., & et al. (2017). Cross-sibling effects on divorce in the Netherlands. *Journal of Advances in Life Course Research*, (34)12, 1-9.
- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive Therapy Research*, (34)3, 241-53.
- Epstein, N. B., Bishop, D. S., & Levin, S. (1978). The McMaster Model of Family Functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, (4)4, 19-31.
- Gan, Y., Liu, Y., & Zhang, Y. (2004). Flexible coping responses to severe acute respiratory syndrome-related and daily life stressful events. *Asian Journal of Social Psychology*, 7, 55-66.
- Ghanbaripناه. A., Sharif Mustaffa. M., & Ahmad. R. (2013). Structural Analysis of Family Dynamics across Family Life Cycle in Iran. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (84), 486-490.
- Goetter, E. M., & Elizabeth, M. (2010). An empirical investigation of depressive rumination: implications for cognitive flexibility, problem solving and depression. MA thesis, Philadelphia, Science Drexel University.

- Goetter, E. M., & Elizabeth, M. (2010). An empirical investigation of depressive rumination: implications for cognitive flexibility, problem solving and depression. MA thesis. Philadelphia. Science Drexel University.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, (62)3, 737-745.
- Gunduz, B. (2013). Emotional intelligence, cognitive flexibility and psychological symptoms in preservice teachers. *Educ Res Rev*, (8)13, 1048-56.
- Heller, D., Watson, D., and Ilies, R. (2004). The role of person versus situation in life satisfaction: a critical examination. *Psychological Bulletin*, 130(4), 574-600.
- Jaces, F. C., & Froma, W. (2009). *Spiritual resources in family therapy*. Guilford press.
- Jenkins, SM. (2005). Differentiation of self and psychology development. *Contemp FAM Ther*, (27)2, 251-61.
- Johnco, C., Wuthrich, V. M., & Rapee, R. M. (2014). The influence of cognitive flexibility on treatment outcome and cognitive restructuring skill acquisition during cognitive behavioural treatment for anxiety and depression in older adults: Results of a pilot study. *Behavior Research and Therapy*, 57(21), 55-64.
- Khahanipour, M., & Chinavah M. (2016). Predicting Sincere Relationships Based on Family Communication Patterns and Power Structure in the Family in Couples. 9th International Congress on Psychotherapy (Asian Summit on Cultural Values), Tehran, Secretariat of the International Congress on Psychotherapy. (In Persian)
- Macfarlane, J. (2012). *Islamic Divorce in North America: A Shari'a Path in a Secular Society*. Oxford University Press.
- Martin, M. M., Staggers, SM., & Anderson, CM. (2011). The relationships between cognitive flexibility with dogmatism, intellectual flexibility, preference for consistency, and self-compassion. *Commun Res Rep*, (28)3, 275-80.
- Nimtz, Mark. A. (2011). Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *American Journal of Family Therapy*, (36)5, 388-401.
- Sbarra, D. A., & Coan, J. A. (2017). Divorce and health: Good data in need of better theory. *Journal of Current Opinion in Psychology*, (13)2, 91-95.
- Siffert, A., & Schwarz, B. (2010). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*. 28(2) 262-277.
- VandenBos, G. R. (2007). *APA dictionary of psychology*. American Psychological Association.
- Waring, E. M. (2015). *Enhancing Marital Intimacy through Facilitating Cognitive Self-Disclosure*. Routledge Publication.
- Zong, J-G., Cao, X-Y., Cao, Y., Shi, Y-F., Wang, Y-N., Yan, C., & et al. (2010). Coping flexibility in college students with depressive symptoms. *Health Qual life Outcom*. 8(1), 1.